**از شعور شناخت تا شور شیدایی**

**شناخت امام زمان علیه السلام چه نقشی در بندگی خدا دارد؟**

هدف از آفرینش، بندگی است و اساس و پایه بندگی خداوند، شناخت اوست و عالی ترین تبلور این شناخت، شناخت اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است.

بی گمان، یکی از وظایف مهم بندگان در مقابل پروردگار متعال، کسب معرفت و شناخت آن وجود مقدس است و این معرفت، زمانی به کمال می رسد که پیامبران الهی، به ویژه آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله را به خوبی شناخته باشیم و این مهم، حاصل نمی گردد، مگر زمانی که شناخت انسان به اوصیای او، به ویژه آخرین حجت الهی علیه السلام، در حد امکان، حاصل شود و اگر شناخت حجت الهی حاصل نشود، بیم گمراهی می رود.

از حسین بن علی علیه السلام نقل شده که به اصحاب خود درباره شناخت خداوند متعال چنین فرمود: «ای مردم! همانا خداوند متعال، بندگان را نیافرید؛ مگر برای آن که او را بشناسند؛ پس در آن هنگام که او را شناختند، بندگی او را کردند و آن هنگام که او را بندگی کردند، با عبادت او، از عبادت غیر او بی نیاز گردیدند».

شخصی پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت؛ معنای شناخت خدا چیست»؟

سالار شهیدان علیه السلام در پاسخ فرمود: «شناخت خدا، یعنی اهل هر زمانی، امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است، بشناسند».

بنابراین، به روشنی معلوم می شود که شناخت امام، از شناخت خداوند متعال جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است؛ چنان که در نهج البلاغه آمده است: مدار دخول در بهشت، شناختن امامان و مدار و محور ورود در آتش نیز انکار امامان است.

اگر برای کسی این معرفت به دست آمد، هرگز تقدیم یا تأخیر ظهور مهدی آل محمد علیه السلام، گَرد ملال بر خاطرش ننشاند.

از این روایات، به روشنی استفاده می شود که همه فضیلت ها و ارزش ها در بندگی خدای متعال، به داشتن معرفت امام علیه السلام و ملتزم شدن به آن برمی گردد؛ به طوری که اگر کسی این اکسیر گرانقدر را در اختیار داشته باشد، هیچ کمبودی از نظر آن چه مطلوب خداوند متعال است، ندارد؛ علاوه بر این، معرفت امام، امری قلبی است که نتیجه اش، محبت و ولایت وی و آرزوی یاری کردن آن حضرت در زمان ظهور و خدمت کردن در زیر پرچم وی می باشد. دیدن با چشم سر، دخالتی در تحقق این امر قلبی ندارد و لازمه آن هم نیست. چه بسا کسانی درک زمان حضور ائمه علیهم السلام یا پیامبر صلی الله علیه وآله را کرده بودند، اما هیچ معرفتی نسبت به آنان نداشتند. در تاریخ می بینیم که دشمنان قسم خورده و درجه اول پیشوایان ما، همان کسانی بودند که سال ها با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام زندگی می کردند و در حالات مختلف همراه آنان بودند.

معرفت امام علیه السلام، آن شناخت و پذیرش قلبی است که اگر کسی آن را نداشته باشد، دیدن هر ماه و هر هفته و هر روز امام علیه السلام، برایش هیچ تأثیری ندارد؛ البته اگر کسی اهل معرفت باشد، مشاهده حسی آن بزرگوار، برایش سبب افزایش معرفت و افزایش ارادت و تسلیم نسبت به وی می گردد و زمینه ای برای اظهار آمادگی نسبت به یاری وی، در زمان ظهور خواهد بود.

از این دو مطلب می توان نتیجه گرفت که اگر کسی معرفت امام علیه السلام و در نتیجه، آمادگی برای یاری او را داشت، ولی به علتی که از عهده وی خارج بود، از درک محضر آن بزرگوار و خدمت وی، محروم بود، خداوند پاداش کسی را که زمان ظهور امام علیه السلام را درک کرده و در لشکر وی انجام وظیفه نموده است، به او می دهد و او را از این ثواب بزرگ محروم نمی کند.

راه های شناخت امام علیه السلام

شناخت و معرفت امام از راه های زیر ممکن است:

1. تصریح و اعلام پیغمبر

یعنی خبر دادن از جعل و نصب الهی یا جعل و نصب امام به امر الهی که در صورت اول، جعل و نصب بدون واسطه انجام می شود و فعل الهی است و سخن پیامبر صلی الله علیه وآله، مثل خبر دادن از آن است و در صورت دوم، فعل الهی است که به واسطه پیغمبر انجام می گیرد و استناد آن به خدا نیز مثل بسیاری از افعال ملائکه به خدا صحیح است؛ چون آنان به امر خدا انجام می دهند و تعیین نص هر امام بر امامت امام بعد از خودش نیز همین گونه است.

2. شناخت امام از راه معجزه

ظهور آن به دست کسی که مدعی امامت باشد، دلیل بر صدق ادعای اوست و به بیان بعضی از بزرگان، دلیل بر نص و نصب او از جانب خداست؛ زیرا در این مسئله دو نظر است؛ یکی این که معجزه مستقلاً دلیل بر امامت است و دیگری این که دلیل اصلی، نصب و نص پیامبر یا امام سابق است و معجزه، دلیل بر نصب است که اگر نص مفقود باشد و معجزه باشد، معجزه دلالت دارد بر این که نص بر صاحب معجزه بوده است و به دست ما نرسیده است.

3. شناخت از راه سیره عملی

اخلاق، کردار، رفتار و وضع زندگی، یکی از راه های شناخت امام برای کسانی است که اهلیت تشخیص را داشته باشند و بتوانند از اخلاق، سلوک و گفتار و معاشرت های گوناگون، صاحب این مقام را بشناسند.

با توجه به انبوه روایات معتبر - در کتاب های بزرگان دین که حکایت از سه راه فوق می کند - راه برای شناخت امام زمان علیه السلام باز است.

نشانه های شناخت امام زمان علیه السلام

در روایات برای شناخت امام، آثاری ذکر شده که برخی عبارتند از:

1. محبت و دوستی امام

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به عنوان اشرف انبیا و آخرین فرستاده الهی، آن گاه که سخن از آخرین وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام از بزرگ ترین واژگان محبت یعنی «بابی و امی؛ پدر و مادرم فدای او» بهره برده است؛ آن جا که می فرماید: «پدر و مادرم فدایش باد که او، همنام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد».

آن گاه که نگاه تیزبین علی بن ابیطالب علیه السلام، اعصار و قرون را درمی نوردد، زمان آخرین امام را نظاره می کند و چنین می فرماید: «شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید؛ اگر آنها ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده، به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آنها بشتابید که البته خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است».

در کتاب غیبت نعمانی ضمن نقل روایتی، چنین آمده است: حسین بن علی علیه السلام فرمود: «مردی نزد علی علیه السلام آمده، از اوصاف مهدی علیه السلام از او پرسید. وقتی علی علیه السلام صفات حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی به سینه خود اشاره کرده، آهی کشیده، از شدت اشتیاق خود به ایشان، به سینه خود اشاره کرد.

ابوحمزه ثمالی می گوید: روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم؛ چون کسانی که نزد آن حضرت بودند متفرق شدند، آن حضرت فرمود: «ای اباحمزه! یکی از اموری است آن را حتمی ساخته است، قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آن چه می گویم، تردید کند، در حالی خداوند را ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار کننده اوست»؛ سپس فرمود: «پدر و مادرم فدای آن که همنام من و هم کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می باشد».

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم علیه السلام به دنیا آمده است؟ حضرت فرمود: «خیر! اگر او را درک کردم، در ایام زندگانی ام، خدمت گزار او خواهم بود».

در روایتی شگفت انگیزتر، ششمین آفتاب سپهر ولایت و امامت فرموده: «به درستی که اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم».

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «پدر و مادرم فدای تو که همنام جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمرانی».

2. نجات از مرگ جاهلیت

در روایت فراوانی از شیعه و اهل سنت چنین وارد شده است: «هر کس از دنیا برود و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است». این روایت، درباره شناخت و معرفت تمامی ائمه علیهم السلام صادق است؛ ولی در خصوص حضرت مهدی علیه السلام نیز روایاتی آمده است. درباره شناخت همه ائمه علیهم السلام می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

معاویة بن وهب گوید: شنیدم که حضرت صادق علیه السلام می فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس در حالی که امام خویش را نمی شناسد، بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است».

مرگ جاهلی، یعنی مردن بدون شناخت خدا و رسول خدا صلی الله علیه وآله و کسی که نسبت به امام زمان خود شناخت و معرفت ندارد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت - که افراد، خدا و پیغمبر را نمی شناختند - خارج نشده است. بنابراین، معرفت خدا و رسول، اگر به معرفت امام زمان علیه السلام منتهی نشود، به حال انسان فائده ای نخواهد داشت و او را مؤمن نمی کند.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید که منظور از جاهلیت، جهل مطلق و نسبت به همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ حضرت در پاسخ فرمود: «منظور از جاهلیت، کفر، نفاق و گمراهی است»؛ یعنی عدم معرفت نسبت به امام زمان علیه السلام، نتیجه اش کفر، نفاق و گمراهی است. عدم معرفت، ممکن است بر اثر عدم معرفی امام زمان علیه السلام از طرف خداوند بدون کوتاهی کردن خود شخص باشد و این حالت، «ضلال» نامیده می شود و مرادف با «استضعاف» است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم گشته است. حالت کفر و نفاق، مربوط به شخصی است که برایش معرفی الهی صورت گرفته، ولی او در پذیرفتن و زیر بار آن رفتن کوتاهی کرده است و این، دو حالت دارد؛ یا انکار و عدم تسلیم خود را صریحاً ابراز می کند که کفر نامیده می شود و یا مخفی می دارد که نفاق است و در هر سه مورد، شخص از مسیر عبودیت خداوند دور افتاده، عاقبت به خیر نیست.

بنابراین، شناخت و تبعیت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نه از باب تعبد، بلکه به حکم عقل انسان است؛ زیرا انسان خداشناس، راهی به سوی خدا ندارد؛ مگر آن طریقی که خود خداوند قرار داده است و جز از این راه، نمی توان از رضا و سخط الهی آگاه شد. عاقلی که از غیب خبر ندارد، دنبال کسی که او هم مانند خودش جاهل و نادان است، نمی رود و کسی را می جوید که به آن چه او نمی داند، آگاهی کامل دارد و اگر چنین کسی را شناخت، دیگر در پیروی از او تردید و تأمل نمی کند؛ پس مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام، مراجعه جاهل به عالم است و این، یک حکم عقلی است و امر تعبدی و تحکمی نمی باشد؛ همچنان که انسان عاقل در امور مادی و دنیوی خود، در صورتی که نسبت به چیزی نادان باشد، به دانا و متخصص مراجعه می کند، در امور معنوی و غیرمادی هم عقل، همین گونه حکم می کند.

**کلمات کليدي**

[امام](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=179)

[شناخت امام زمان علیه‌السلام](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=81271)

[شناخت](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=1290)

[خدا](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=35)

[امام زمان علیه‌السلام](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=9311)

[شناخت امام](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=46493)

[معرفت](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/Number/List/?keyword=3982)